کودک‌کش و کودک‌آزار گرفتار نفرین جنگ با ایران

ازبی‌بی‌سی جهانی، دونالدترامپ وبنیامین‌نتانیاهو باور داشتند که پیروزی بر ایران، خاورمیانه را از نو شکل خواهد داد. البته خاورمیانه در حال بازآرایی است، اما نه آن‌طور که آنها انتظار داشتند. جمهوری اسلامی ایران شکست‌نخورده است و خطری که اکنون وجود دارد، شکل‌گیری بحرانی دائمی و فرسایشی است که بین جنگی آشکار و آتش‌بس متزلزل نوسان می‌کند.

تازه‌ترین مورد، سرنگونی بالگرد آپاچی آمریکا در نزدیکی تنگه هرمز است. ترامپ روز سه‌شنبه در پیامی در شبکه اجتماعی خود(تروث سوشال)مدعی شد:«نیروهای نظامی بزرگ‌مان به من اطلاع دادند که ایرانی‌ها یکی از بالگردهای بسیار پیشرفته آپاچی ما را هنگام گشت‌زنی برفراز تنگه هرمز سرنگون کرده‌اند.»

صرف نظر از صحت و سقم ادعای ترامپ درباره «سرنگونی» این بالگرد، تهران همواره نشان داده است که توان ضربه زدن به آمریکا را دارد و در عزم خود برای پیروزی در این جنگ عقب‌نشینی نخواهند کرد.

به باور نگارنده، «از نگاه ایران، پیروزی یعنی بقای نظام و تقویت قدرت بازدارندگی در قالب تثبیت کنترل برتنگه هرمز به عنوان یکی از آبراه‌های راهبردی جهان.»

ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز وفراهم کردن زمینه مذاکرات بلندمدت درباره مسائل کلیدی، از جمله ذخایر اورانیوم غنی‌شده و در مقیاس گسترده‌تر، برنامه هسته‌ای ایران، روی دستیابی به توافقی با تهران حساب کرده است. جنگ در داخل آمریکا محبوبیتی ندارد و ترامپ به دنبال راه خروجی است که بتواند آن را یک پیروزی جلوه دهد؛ موضوعی که به چالشی بَس دشوار بدل شده است.

ترامپ و نتانیاهو اکنون در حال آموختن درسی قدیمی هستند؛ درسی که از لحظه پی بردن بشر به «فن جنگ» و گرفتار شدن در «نفرین» آن، بارها و بارها تکرار شده است: «شروع جنگ آسان‌تر از پایان بخشیدن به آن با یک پیروزی قاطع است.»

وقتی که واشنگتن و تل‌آویو در آخرین روز فوریه وارد جنگ با ایران شدند، هر دو نفر با انتشار پیام‌های ویدئویی، کلماتی را انتخاب کردند که بازتاب‌دهنده تصوراتشان بود و چنان سخن راندند که «گویی لحظه‌ای تاریخی فرارسیده و نظامی که از سال ۱۹۷۹ بر ایران حکومت کرده، در آستانه فروپاشی است»!

ترامپ، بامدادهمان روز از«مارئه لاگو»، عمارتش در فلوریدا، وعده‌ای که پیش‌تر در ماه ژانویه و با هدف تحریک ودامن زدن به آشوب داخلی به معترضان ایرانی داده بود را تکرار کرد: «کمک در راه است.»

صبح روز بعد، نتانیاهو زیر نور خورشید بر بام ساختمان وزارت جنگ (رژیم) اسرائیل در تل‌آویو ایستاد و سخنرانی خود را ضبط کرد. او نیز مانند ترامپ چنان حرف می‌زد که گویی پیروزی حتمی است.

نتانیاهو در سراسر حیات سیاسی خود همواره مدعی شده که تهدید اصلی علیه تل‌آویو، نه فلسطینیان یا کشورهای عرب همسایه، بلکه از ایران نشات می‌گیرد. او سال‌ها تلاش کرد تا دیگر روسای جمهور آمریکا را برای پیوستن به حمله به ایران متقاعد کند، اما در این مسیر ناکام بود. ترامپ اما فرق داشت.

نخست وزیر (رژیم) اسرائیل بیش از دو سال، یعنی از زمان حمله جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در هفتم اکتبر۲۰۲۳ (عملیات طوفان الاقصی)، به اسرائیلی‌ها (ساکنان اراضی اشغالی) گفته بود که قدرت نظامی آنها، با حمایت آمریکا، دشمنان را نابود خواهد کرد و آینده‌ای امن‌تر و غنی‌تر رقم خواهد زد؛ از نگاه او، راه‌حل، زور بود نه دیپلماسی.

نتانیاهو در آن روزها چنان به نظر می‌رسید که گویی «لحظه منحصربه‌فرد» ش فرارسیده است. در سوی مقابل، وقتی که روز دوشنبه پس از دستور ترامپ برای لغو حمله به بیروت، مقابل دوربین‌ها ظاهر شد، «پِن کاسپیت»، ستون‌نویس مشهور اسرائیلی، او (نتانیاهو) را «وارفته همچون بادکنکی خالی از هوا» توصیف کرد.

گرچه کاسپیت جزو منتقدان سرسخت نتانیاهو محسوب می‌شود، اما واقعیت این است که راهبرد نتانیاهو برای تحمیل اراده خود به منطقه از طریق قدرت نظامی، شکست خورده است.

در سوی دیگر، ترامپ هم انتظار یک پیروزی سریع را داشت. او با سرخوشی و لذت شاهد رباییش نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا و همسرش به دست ارتش آمریکا بود. او آنها را به زندانی در نیویورک منتقل کرد و ظاهرا فردی مطیع در کاراکاس جانشین وی شده است. به باور ترامپ، این یک نمونه کامل از تغییر رژیم بود؛ نمونه‌ای به مراتب بهتر از جنگ‌های طولانی عراق و افغانستان که اسلاف او به راه انداخته بودند. در نتیجه او بعد از تجربه ونزوئلا، ایران را در صدر فهرست قرار داد. با این حال، اکنون هر دو (ترامپ و نتانیاهو) احتمالا از خود می‌پرسند که کجای کار اشتباه شد. آمریکا قدرتمندترین ارتش جهان را در اختیار دارد و اسرائیل هم قدرت برتر نظامی خاورمیانه است.

ترامپ و نتانیاهو نظام سیاسی را در تهران می‌دیدند که با فشار ناشی از تحریم‌ها و بحران اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. اسرائیل در برخی جبهه‌ها ضربات سنگینی به حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان، وارد کرده بود. حکومت بشار اسد در سوریه سقوط کرده و مشکلات اقتصادی داخلی در ایران، مردم را به خیابان‌ها کشانده بود.

با این حال، نتانیاهو و ترامپ، تاب‌آوری و فراست ایران را دست کم گرفتند. آنها گمان می‌کردند که با ترور رهبر معظم وفرماندهان ومقامات ارشد ایران، نظام از درون فروخواهد پاشید. در مقابل، کارآمدی قدرت نظامی رابیش از حد واقعی برآورد کرده بودند؛ آن هم در برابر حکومتی که نزدیک به پنجاه سال با تهدیدهای مداوم روبه‌رو بوده، ساختار خود را برای مقابله وبقا در برابر حمله طراحی کرده و درباب مفهوم امنیت ملی، عمیقا اندیشیده است.

کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس که متحد آمریکا و در مورد امارات و بحرین، متحد اسرائیل نیز محسوب می‌شوند، متحمل ضربات سهمگینی شده‌اند. مسئله صرفا کاهش درآمدهای نفتی و فرآورده‌های پتروشیمی نیست؛ آنها آینده خود را حول ساختن یک «مأمن» با ثبات و قطبی برای تجارت و سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری بنا کرده بودند، اما حالا جنگ، آن رویا را به یک «سراب» تبدیل کرده است.

نویسنده در ادامه می‌نویسد: ایران باور دارد که بقای خود و توانایی‌اش در ایجاد اختلال در اقتصاد جهانی از طریق بستن تنگه هرمز حمله به پایگاه‌ها و تاسیسات آمریکایی در کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس می‌تواند به یک بازدارندگی بلندمدت در برابر آمریکا و اسرائیل تبدیل شود.

مقام های ایران ریسک‌پذیر هستند و این نبرد را جنگی وجودی می‌دانند و معتقدند که صرفا با حرف و مذاکره نمی‌توان مانع حملات آینده شد و در عوض باید هزینه هر حمله به ایران را برای دشمنان بالا برد. آنها می‌خواهند نشان دهند که حملات علیه ایران به پیامدهایی دردآور برای دشمنان منجر خواهد شد.

به نوشته نگارنده، «بخش مهمی از راهبرد ایران، پیوند زدن جنگ لبنان با جنگ خلیج‌فارس است. پیام تهران به ترامپ این است که مادامی که اسرائیل به بمباران لبنان و تلاش برای تضعیف حزب‌الله ادامه دهد، نباید انتظار توافقی جدی با ایران را داشته باشد. ترامپ با جلوگیری از حمله اسرائیل به بیروت، با این ادعا که توافق نزدیک است (ادعایی که پیش‌تر بارها آن را تکرار کرده)، به طور ضمنی پیوند میان تحولات لبنان و خلیج فارس را پذیرفته است.»

نتانیاهو روز دوشنبه مدعی شد که «این پیوند را نخواهد پذیرفت و آن را تحمل ناپذیر و کاملا غیرقابل قبول خواند. اما مشکل او این است که ترامپ منافع خود و تمایلش برای پایان دادن به جنگ را بر خواست نتانیاهو مبنی بر ادامه جنگ تا زمان تضعیف شدید حکومت ایران ترجیح خواهد داد.»

زمانی که تنگه هرمز در ماه مارس بسته شد، هشدارهای جدی درباره پیامدهای اقتصادی جهانی آن مطرح شد؛ اینکه که در صورت بسته ماندن این آبراه حیاتی تا ماه ژوئن، اقتصاد جهانی آسیب بیشتری خواهد دید.

حالا امانه تنها این شاهراه حیاتی، که تاپیش از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران بازبود، همچنان مسدود مانده، بلکه در غیاب یک تحول دیپلماتیک چشمگیر، تصور اینکه در آینده نزدیک بازگشایی شود نیز بسیار دشوار است.

رسانه آمریکایی:

ایران ثابت کرده آمریکا حاکم میدان نبرد نیست

تارنمای شبکه رادیویی «WTOP Radio» گزارش خود را اینگونه آغاز می‌کند: دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، روز دوشنبه از ایران و (رژیم) اسرائیل خواست تا از تبادل آتش دست بردارند. چنین اتفاقی افتاد؛ اما پرسش این است که این وضعیت تا چه زمانی دوام خواهد داشت؟

این مسئله یکی از واقعیت‌های محوری این جنگ را آشکار می‌کند: ایالات متحده می‌تواند بر تحولات اثر بگذارد اما قادر به کنترل آنها نیست.

واشنگتن به رغم برخورداری از اهرم‌های عظیم نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی، نتوانسته جنگ را متوقف، متحدانش را مهار و رقبایش را مرعوب کند یا مانع از آن شود که این بحران بارها و بارها از مسیر دیپلماسی به سمت رویارویی نظامی بازگردد. هرچه این وضعیت ادامه پیدا کند، این جنگ به همان اندازه که آزمونی برای اراده تهران و تل‌آویو خواهد بود، قدرت نفوذ آمریکا را نیز به بوته آزمایش خواهد گذاشت. دولت ترامپ به شدت در پی دستیابی به یک توافق است. ترامپ مدعی شده که مذاکرات نهایی در حال پیشرفت است. او همچنین مدعی شده که هر دو طرف خواهان برقراری فوری آتش‌بس هستند. با این حال، موشک‌ها همچنان شلیک می‌شوند، تهدیدها ادامه دارد و منطقه همچنان ملتهب است. این تناقض، نکته مهمی را عیان می‌کند. به نوشته نگارنده، «ایالات متحده همچنان قدرتمندترین بازیگر خارجی در خاورمیانه است. این کشور از توان و اهرم نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و اطلاعاتی عظیمی برخوردار است. با این حال، پس از گذشت بیش از ۱۰۰ روز از درگیری، واشنگتن هنوز هم نتوانسته به شکلی قابل اتکا جنگ را متوقف کند.» ایران این واقعیت را به خوبی درک کرده و به طور فزاینده‌ای در حال بهره‌برداری از آن است. راهبرد تهران لزوما پیروزی در یک جنگ متعارف علیه آمریکا یا اسرائیل نیست؛ بلکه هدف آن بقا، حفظ قابلیت‌های اصلی خود و اثبات این نکته است که نه واشنگتن و نه تل‌آویو قادر نیستند شرایط این درگیری را به ایران دیکته کنند. به باور نگارنده، «هربار که دیپلماسی به یک پیشرفت غیرمنتظره نزدیک می‌شود، ایران به سادگی با نشان دادن اینکه آمریکا قادر به کنترل کامل میدان نبرد نیست، دست قوی‌تر و بالاتری در مذاکرات پیدا می‌کند. این امر موقعیت چانه‌زنی تهران را تقویت کرده و برای استدلال دیرینه ایران که فشار نظامی به تنهایی نمی‌تواند این کشور را به تسلیم وادار کند، مهر تایید می‌زند.»

(رژیم) اسرائیل عامل دیگری است که شرایط را بیش از پیش پیچیده می‌کند. واشنگتن و تل‌آویو همچنان متحد یکدیگرند، اما روز به روز نشانه‌های آشکاری از این موضوع رویت می‌شود که آنها براساس دو کتابچه راهنمای متفاوت عمل می‌کنند. به نظر می‌رسد که هدف اصلی ترامپ پایان دادن به جنگ و دستیابی به توافقی جامع‌تر است که برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی‌های امنیتی منطقه و آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز را پوشش می‌دهد. در سوی دیگر، به نظر می‌رسد که اسرائیل بیشتر بر تضعیف توانمندی نظامی و شبکه نفوذ منطقه‌ای تهران پیش از نهایی شدن هرگونه توافق، متمرکز است. این اختلاف نظر به شکلی فزاینده آشکار شده است. ترامپ در روزهای اخیر گزارش‌ها درباره انتقاد شدید خود از بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر (رژیم) اسرائیل، و فشار بر او جهت پرهیز از اقدامات منجر به انحراف و در نهایت شکست مذاکرات را تایید کرده است. رویترز، آکسیوس، آسوشیتدپرس و سایر رسانه‌ها نیز از اختلافات جدی میان ترامپ و نتانیاهو بر سر عملیات‌های نظامی تل‌آویو و تاثیر آن بر روند دیپلماسی خبر داده‌اند. اهمیت این مسئله نه در اختلافات شخصی، بلکه در دوگانگی راهبردی آن نهفته است. واشنگتن در تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ است. در طرف مقابل، اسرائیل می‌خواهد نتیجه جنگ را به نفع خود شکل دهد. این دو هدف گرچه مرتبط، اما یکسان نیستند. از نگاه تهران، این وضعیت یک فرصت پدید می‌آورد. مقام‌های ایرانی بارها واشنگتن را مسئول اقدامات نظامی به تنهایی نمی‌توانند این کشور را به تسلیم وادار کند، مهر تایید می‌زند.»

نکته

روایتی از انزوای واشنگتن

ایالات متحده متاسفانه به دلیل ثروت وتوان اقتصادی و به تبع آن قدرت نظامی خود در چند دهه گذشته، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و سپس فروپاشی شوروی، و به خصوص در دوره‌ای که به عنوان تنها ابرقدرت جهان مطرح بود، به این تصور نادرست رسیده و هنوز هم، هرچند تا حدودی کمتر از گذشته، چنین می‌اندیشد که می‌تواند هر کاری که بخواهد انجام دهد و به راحتی برای دیگران تصمیم بگیرد.

به گزارش ایرنا متأسفانه در فرهنگ سیاسی آمریکا هنوز این واقعیت جا نیفتاده یا به درستی درک نشده است که صرفاً با اتکا به ثروت، زور و قدرت نظامی نمی‌توان به اهدافی که در ذهن خود ترسیم می‌کند دست یافت.

نخست آن که جهان دیگر یک قطبی نیست و به قول معروف «دست زیاد شده است». بنابراین، اگر آمریکا در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ میلادی می‌توانست تا حد زیادی یک جانبه عمل کند، امروز با تغییر شرایط جهانی و نیز توسعه سیاسی ملت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک، نوظهور و قدیمی، و همچنین با توجه به متغیرهای ژئوپلیتیکی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، دیگر از آن آزادی عمل گذشته برخوردار نیست.

ایالات متحده باید از جنگ ویتنام درس بزرگی می‌گرفت، اما به نظر می‌رسد این واقعیت هنوز برای بسیاری از سیاستمداران آمریکایی به‌طور کامل جا نیفتاده است. البته در طول سه دهه گذشته، رهبرانی که اداره امور آن کشور را در دست داشته‌اند، به تناوب تلاش کرده‌اند سیاست‌های جهانی خود را با این واقعیات، هرچند نسبی و نه مطلق، تنظیم و اجرا کنند. با این حال، به نظر می‌رسد ناموفق‌ترین آنها دونالد ترامپ بوده است که متأسفانه درک درستی از واقعیت‌های جهان به سرعت در حال تغییر نداشت.

او با تصمیمات ابداعی، عوام‌فریبی، تبلیغات مضحک، خودشیفتگی و طرح شعار «دوباره عظمت را به آمریکا بازمی‌گردانیم» (MakeAmericaGreatAgain)، و نیز با این تصور که مرد صلح است و شایستگی دریافت جایزه صلح را دارد، وده‌ها موضوع بی‌مورد دیگر، نه تنها نتوانست از قدرت و توان ایالات متحده به خوبی بهره ببرد بلکه اعتبار این کشور قدرتمند را نیز خدشه‌دار کرد؛ آن چنان که امروز حتی نزدیک‌ترین متحدان آمریکا نیز این اعتبار آسیب دیده است. به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران، اندیشمندان و سیاستمداران منطقی در خود ایالات متحده بر این باورند که ده‌ها سال زمان لازم است تا این کشور بتواند اعتبار از دست‌رفته خود را جبران کند.

حمله به ایران و وارد کردن خسارات و صدمات انسانی و مالی به کشور و مردم ما، نقطه سیاه بزرگی در کارنامه مملو از اشتباهات ترامپ به شمار می‌آید. بی‌تردید مردم ایران این اقدام را فراموش نخواهند کرد و این رویداد، به مراتب بدتر از اقدام ایالات متحده در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت منتخب و قانونی دکتر محمد مصدق است. همه دیدند و دیدیم که ایالات متحده، با وجود لشکرکشی گسترده اخیر خود به خلیج فارس، نتوانست به اهداف مورد نظرش دست یابد. بدون تردید این حمله و تجاوز خسارات و صدمات فراوانی به مردم و کشور ما وارد کرد اما در عرصه سیاسی، اقدامی شکست‌خورده بود که تنها شمار اندکی از کشورها از آن حمایت کردند. همان گونه که حمله مشترک بریتانیا، فرانسه و اسرائیل به مصر نیز در نهایت موجب بی‌اعتباری آن سه کشور شد.

با توجه به مطالب فوق، چند ملاحظه قابل طرح و توصیه است:

در جریان این جنگ، نقش سازمان ملل متحد کم‌رنگ بود و جز چند قطعنامه شورای امنیت که عملاً قابل اجرا نبود و اجرا هم نشد، اقدام مؤثری صورت نگرفت. باید به یاد داشته باشیم که ایالات متحده از همان ابتدای تشکیل این سازمان جهانی نگاه چندان مثبتی به آن نداشته و در بسیاری از موارد آن را نادیده گرفته است. همچنین بارها اثرگذاری قطعنامه‌های ارکان مختلف این سازمان را، به‌ویژه در موارد مرتبط با اسرائیل و اقدامات غیرقانونی و ناقض حقوق بشر این رژیم، یا خنثی کرده یا مانع اجرای آنها شده است.

مخالفت دولت ترامپ با سازمان ملل متحد و به طور کلی با نهادهای بین‌المللی نیز برکسی پوشیده نیست و نیازی به بازگویی ندارد. اکنون بر همه کشورها، اعم از بزرگ و کوچک و برخوردار و کم برخوردار، واجب است که برای حفظ و تقویت سازمان ملل متحد تلاش کنند. زیرا جنگی که علیه ایران به راه افتاد نشان داد که تنها ایران نبود که از این وضعیت آسیب دید، بلکه دیگران نیز متضرر شدند. از این رو، ضرورت و اهمیت این سازمان بین‌المللی ولزوم تقویت آن بیش از گذشته احساس می‌شود؛ البته به شرط آن که متناسب با تحولات عمیق نظام بین‌الملل، اصلاحات لازم در ساختار و عملکرد آن هرچه سریع‌تر انجام شود و به تعبیر دکتر کندی، نوعی حاکمیت بین‌المللی، هرچند محدود، با سرعت بیشتری شکل گیرد؛ چرا که زمان با شتاب در حرکت است.

اقدام نسنجیده ایالات متحده علیه ایران باید برای همه کشورها و طبعاً برای کشور خود ما نیز تجربه‌ای ارزشمند باشد؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد اگر روزی در موقعیت قدرت قرار گرفتیم، این تصور در ما شکل نگیرد که می‌توانیم هر کاری انجام دهیم. اگر ایالات متحده با آن همه قدرت نظامی و اقتصادی نتوانست در این مورد به اهداف خود برسد، طبعاً سایر کشورها که در سطوح مختلفی از قدرت قرار دارند، به طریق اولی نخواهند توانست صرفاً با اتکا به قدرت نظامی و اقتصادی خواسته‌های خود را تحمیل کنند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۰۱۰۳۲۴۲۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فرزاد ابراهیمی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۹ صادره از گیلانغرب مبنی بر صدور سند ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع پلاک ۱۴۶ اصلی روستای کهریزبخش یک حومه کرباری از مالک رسمی مشاعی محمد کهریزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به دادگاه صلاحیتدار تسلیم و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک بیجار ارائه نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۳/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۴/۱۰

محمد عباسی
رئیس ثبت اسناد و املاک کرمانشاه

==========

آگهی دعوت افراز

نظر به اینکه آقای محمد سراوانی از مالکین مشاعی پلاک ۱۹- اصلی واقع در بخش ۵ سیستان شهرزهک طبق درخواست شماره ۱۰۹/۵۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۹ تقاضای افراز سهمی خود را از پلاک مرقوم با استناد به قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب سال ۱۳۵۷ را از این اداره نموده و در ذیل تقاضای افراز خویش اعلام داشته که به دیگر مالکین مشاعی دسترسی ندارد و آدرس آنها مشخص نمی باشد لذا مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا آگهی می گردد و از سایر مالکین مشاعی و کسانیکه حق وحقوقی در این ملک دارند و یا تمایل به افراز دارند دعوت به عمل می آید تا در ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۴/۸ در این اداره و یا در محل وقوع ملک مزبور حضور به هم رسانند تا با حضور و نظارت آنان به محل افراز برابر قانون صورت پذیرد یادآور می گردد عدم حضور مانع از انجام عمل افراز نخواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۲۵
م الف ۹۴

ابوذر شه بخش
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زهک

==========

آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

پیرو آگهی انتشار یافته در روزنامه عصر رسانه به شماره های ۴۱۹۳ و ۴۲۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۷ و ۱۴۰۵/۳/۱۱ و روزنامه اقتصاد پویا به شماره های ۵۶۶۰ و ۵۶۷۰ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۷ و ۱۴۰۵/۳/۱۱ برابر برای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بیجار تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محرز گردید لذا مشخصات مالک (علی حسین مبارک آبادی) مورد تقاضا به شرح ذیل اصلاح و برابر متن رای هیات به منظور اطلاع عموم در یک نوبت آگهی می شود:

۱- آقای علی حسین مبارک آبادی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۴۲ به شماره ملی ۵۸۷۹۸۶۴۲۴۳ جهت ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۷۲/۱۷ مترمربع واقع در محدوده تخت علیاء تحت پلاک ۲۱۰۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۶ حوزه ثبتی بیجار از محل نسق مالکین رسمی حمداله فلاح زاده

لذا در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت یک ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک بیجار تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک بیجار ارائه نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۲۵
۷۰۰۶

جعفر برزگر
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیجار

==========

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک باب منزل پلاک ۲۶۷۱۵ فرعی از ۱- اصلی واقع در بخش ۲ سیستان بلوار سردار لکزائی رسالت ۱۴ مورد تقاضای محمود راهدار تاکنون بعمل نیامده است. لذا برحسب تقاضای کتبی نامبرده تحدید حدود در تاریخ ۱۴۰۵/۴/۱۵ در محل شروع و به عمل خواهد آمد بدینوسیله به اطلاع مجاورین و مستدعی ثبت پلاک فوق می رساند تا در روز تعیین شده در محل حضور به هم رسانند در صورتیکه مستدعی ثبت پلاک فوق می رساند تا در روز تعیین شده در محل حضور نداشته باشد تحدید حدود بر طبق اظهار مجاورین برابر ماده ۱۵ قانون ثبت به عمل خواهد آمد و اعتراض مجاورین نیز برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی ظرف مدت سی روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۱ ماده واحده قانونی تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی مصوب سال ۱۳۷۳ اعتراض به تقاضای ثبت و تحدید حدود موضوع ماده ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت می باید توسط معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مرجع قضائی صورت پذیرد گواهی لازم از دادگاه زابل اخذ و به اداره ثبت محل تسلیم و رسید دریافت دارد والا حق او ساقط خواهد شد در صورتی که روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی با رعایت مواد قانونی ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک و با رعایت مفاد ماده ۶۷ آئین نامه مذکور صورت پذیرد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۲۵
م الف ۱۲۸

رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین احداث بناشده به پلاک ۳۶۴/۱۹ -اصلی بخش ۱۱ به مساحت ۸۷/۷۵۵۴۱ مترمربع واقع در گنبد کاووس جاده گنبد به سلطانعالی - اراضی روستای داشلی علیا حوزه ثبتی گنبد ملکی آقای ارازگلدی قربانپور ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۴/۱۵ در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد.

از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گنبد کاووس تسلیم نموده وعلاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیراین صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۲۵
م الف ۹۲۷۶

رضا سارانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

==========

آگهی تعیین طول و ابعاد و مساحت (اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی)

نظر به اینکه خانم زهره رفیعی مالک پلاک ثبتی ۲۴۶ فرعی از سنگ ۹۹- اصلی واقع در طارس فیروزکوه تقاضای صدور سند مالکیت کاداستر (تک برگی) نموده وباتوجه به اینکه سند مالکیت اولیه فاقد مساحت و طول و ابعاد می باشد و صدور سند مالکیت پلاک به صورت تک برگی با درج طول وابعاد و مساحت (کاداستری) صورت می گیرد مالک طی نامه وارده شماره ۱۴۰۵۸۵۶۰۱۰۲۱۰۰۵۲۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۹ اعلام نموده که به مجاورین و سایر مالکین مشاعی دسترسی ندارد لذا در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی و ماده ۱۲ قانون حدنگار جهت بازدید از محل و تهیه نقشه از محدوده ثبتی پلاک مذکور روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۴/۱۵ ساعت ۱۱ تعیین وقت شده است بدینوسیله به اطلاع مالکین مجاور و سایر مالکین مشاعی پلاک فوق و سایر اشخاصی که در پلاک مذکور برای خود حقوقی متصور هستند می رساند جهت حصول اطمینان از عدم تضییع حقوق احتمالی با در دست داشتن مدارک مالکیت و مدارک شناسایی در روز موعد مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند تا برابر مقررات اقدام لازم معمول گردد ضمنا عدم حضور مانع از ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۲۵

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه

==========

آگهی اجرای ماده ۱۴۹ قانون ثبت پلاک ۷۶۹۷ فرعی از یک اصلی

سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۷۶۹۷ فرعی از ۱ اصلی مفروز ومجزا شده از ۱۰۱۷ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۶ در طبقه واقع در بخش ۰۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک فیروزکوه استان تهران به مساحت ۲۱۶ متر مربع متن ملک شماره هفت هزار و ششصد و نود و هفت فرعی از یک اصلی مفروز و مجزی شده از شماره یک هزار و هفده فرعی واقع در حوزه ثبتی فیروزکوه استان تهران به مساحت ۲۱۶ دویست و شانزده متر مربع ،

توضیحات ملک

به حدود شمالا : پی است به طول ۲۳/۰۰ بیست و سه متر به ک به عرض شش متر شرقا پی است به طول ۱۰/۰۰ ده متر به خ به عرض دوازده متر جنوبا پی مشترک به طول ۲۳/۰۰ بیست و سه متر به شماره سه هزار و سی و پنج فرعی غربا پی مشترک به طول ۱۰/۰۰ ده متر به شماره سه هزار و پنجاه و یک فرعی

مالکیت سیدکامبیز/ موسوی فرزند سیدرسول شماره شناسنامه ۲۱۰۹ تاریخ تولد ۱۳۶۶/۶/۳۱ صادره از فیروزکوه دارای شماره ملی ۶۵۹۹۸۴۴۵۲ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم : سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی با شماره مستند مالکیت ۶۸۹۵۹ تاریخ ۱۴۰۲/۳/۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۳۲۸۴۶ سری الف سال ۰۱ یا شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۲۱۰۰۰۹۰۱ ثبت گردیده است.

مالکیت محمود/رستمی فرزند رضا به شماره شناسنامه ۱۷۸ تاریخ تولد ۱۳۳۹/۶/۳۰ صادره از فیروزکوه دارای شماره ملی ۶۵۹۹۸۱۱۳۶۱ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی با شماره مستند مالکیت ۶۸۹۵۹ تاریخ ۱۴۰۲/۳/۴ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۳۲۸۴۷ سری الف سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۲۱۰۰۰۹۰۲ ثبت گردیده است.

مالک درخواست صدور سند با ابعاد قبلی را نموده که با توجه به نقشه ارائه شده توسط نقشه بردار محترم ملک با همان ابعاد سابق به مساحت ۲۲۵/۷۶ مترمربع می باشد که به مقدار ۹/۷۶ مترمربع اضافه مساحت می باشد و به نظر بیم تجاوز و تعارض و تضییع حقی وجود ندارد و به نظر مشمول ماده ۱۴۹ ق. ث می گردد، که مراتب طی شماره ۱۴۰۵۸۵۶۰۱۰۲۱۰۰۲۷۰۱ مورخ ۱۴۰۵/۲/۱۹ به ریاست محترم گزارش که دستور به اجرای ماده ۱۴۹ قانون ثبت صادر و ارزش اضافه مساحت به مبلغ ۶۶۹۶۸۸۰ ریال ارزیابی که طی فیش شماره ۱۴۰۵۰۳۱